

فصلنامه علمی «پژوهش انحرافات و مسائل اجتماعی»

شماره دهم، زمستان ۱۴۰۲: ۹۳-۱۱۸

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۶/۲۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۸/۰۹

نوع مقاله: پژوهشی

مطالعه جامعه‌شناختی رابطه احساس محرومیت نسبی و بزهکاری در بین نوجوانان شهر قدس

موسی سعادت^{*}

چکیده

یکی از معضلات اجتماعی که پیامدهای زیادی را برای فرد و خانواده به همراه دارد، مسئله بزهکاری در میان نوجوانان است. در سطح کلان نیز بزهکاری نوجوانان علاوه بر تحمیل هزینه‌های گزاف اقتصادی و اجتماعی، مانع توسعه و پویایی هر جامعه‌ای است. در این راستا، این تحقیق با هدف بررسی جامعه‌شناختی رابطه احساس محرومیت نسبی و بزهکاری در بین نوجوانان شهر قدس انجام پذیرفته است. روش تحقیق پژوهش از نوع پیمایشی است. جامعه آماری شامل کلیه نوجوانان زیر هجده سال شهر قدس به تعداد ۱۹۱۹۰ نفر است که از این تعداد، ۳۷۷ نفر از طریق فرمول آماری کوکران به عنوان حجم نمونه و به شیوه نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای متناسب با حجم انتخاب شدند. برای گردآوری اطلاعات از پرسشنامه محقق‌ساخته استفاده شده است. برای سنجش پایایی ابزار از آزمون آلفای کرونباخ استفاده شد که نتایج برای تمامی متغیرهای بالای ۰/۷ بوده است. همچنین برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از نرم‌فزار SPSS استفاده شده است. چارچوب نظری پژوهش مبتنی بر آرای متفکران اجتماعی چون «رابرت مرتون»، «آلبرت کوهن» و «رابرت گار» است. نتایج حاصل از آزمون همبستگی پیرسون بیانگر آن است که همبستگی بین تمامی مؤلفه‌های احساس محرومیت نسبی شامل احساس محرومیت اجتماعی، احساس محرومیت اقتصادی، احساس محرومیت فرهنگی و احساس محرومیت

^{*} استادیار گروه جامعه‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی، قزوین، ایران

پزشکی، با بزهکاری نوجوانان معنادار بوده است و نوع رابطه نیز مثبت و مستقیم است. نتایج تحلیل رگرسیونی نیز نشان داد که متغیرهای احساس محرومیت اقتصادی، احساس محرومیت فرهنگی، احساس محرومیت اجتماعی و احساس محرومیت پزشکی به ترتیب بیشترین تأثیر را بر متغیر بزهکاری داشته‌اند. همچنین متغیرهای یادشده، ۳۶ درصد از تغییرات متغیر وابسته را تبیین و پیش‌بینی نموده‌اند.

واژه‌های کلیدی: محرومیت نسبی، مقایسه اجتماعی، فقر، بزهکاری و نوجوان.

مقدمه و بیان مسئله

مراحل رشد انسان از تولد تا لحظه مرگ به دوران مختلفی تقسیم می‌شود که در کنترل و شکل‌دهی به شخصیت اجتماعی فرد، کمک‌رسان است. دوران نوجوانی^۱، یکی از مهم‌ترین مراحل رشد است که به آن تولد دوم نیز می‌گویند؛ زیرا فرد به تدریج از وابستگی و ناتوانی‌های کودکی خود فاصله می‌گیرد و به سمت استقلال‌یابی پیش می‌رود. نوجوان در این دوره با قدم گذاشتن به مرحله بلوغ با تحولات جسمی، روحی- روانی و اجتماعی فراوانی دست و پنجه نرم می‌کند که همین امر باعث شده نوجوانی در نزد متخصصان علوم رفتاری به دوران طوفان و فشار و زندگی تشنج‌آمیز معروف شود (اسکندری چراتی، ۱۳۹۶: ۸۶). حال اگر عوامل مؤثر بر شخصیت شکل‌یافته به گونه‌ای باشد که نوجوان را در هویت‌یابی یاری رساند، مسائل حاد بروز نخواهد کرد. اما اگر این عوامل بحران را تشدید نماید، نوجوان مستعد و آسیب‌پذیر به سوی ناهنجاری و یا بزهکاری^۲ سوق می‌یابد (شکریگی و یاسمی‌نژاد، ۱۳۹۱: ۱۷۹). به طور کلی رفتار انحرافی افرادی که هنوز به سن قانونی نرسیده‌اند، بزهکاری نامیده می‌شود و جوانان مرتکب این رفتار را بزهکار می‌نامند (احمدی، ۱۳۹۴: ۸).

بزهکاری نوجوانان از چند جهت حائز اهمیت بوده، جزء مسائل مهم اجتماعی محسوب می‌شود؛ زیرا از یک طرف به دلیل قرارگیری در سن بلوغ، امکان اصلاح و تربیت نوجوانان وجود دارد و از طرفی دیگر، شخصیت و هویت فرد در مرحله نوجوانی شکل می‌گیرد و اگر تکوین و تکامل شخصیت همراه با اعمال مجرمانه و بزهکارانه باشد، این رفتار در فرد نهادینه شده، در آینده نیز به همین منوال به رفتارها و کنش‌های مجرمانه خود به صورت حرفه‌ای‌تر ادامه خواهد داد (عباسی و سعادت، ۱۳۹۵: ۲). در نهایت اینکه نوجوانانی که در منجلاب بزهکاری گرفتار می‌شوند، در اکثر موارد، فرصت‌های جبران‌ناپذیری را از نظر تحصیل و شغل مناسب از دست می‌دهند. این سابقه نامطلوب در زندگی حال و آینده آنها، تأثیرات مخربی برجای می‌گذارد؛ زیرا با پذیرفته نشدن آنان در گروه‌های درسی و کاری آبرومند و آینده‌ساز، به تدریج از جامعه طرد می‌شوند و این امر سبب انتقال مسئله به فرزندان و نسل بعدی‌شان می‌شود و تباهی کودکان و نوجوانان بیشتری را رقم می‌زند. از طرفی دیگر رنج و ناراحتی خانواده‌های کودکان و

1. Adolescence
2. Delinquency

نوجوانان بزهکار نیز سلامت اجتماع را به خطر می‌اندازد و ممکن است موجب تنش و درگیری‌های بین خانواده‌ها، همسایگان و دیگران شود (مشکانی و مشکانی، ۱۳۸۱: ۴). دلیل دیگری که مسئله‌مند بودن بزهکاری نوجوانان در جوامع در حال توسعه و حتی توسعه‌یافته را مشخص می‌سازد این است که این انحراف، قشر نوجوان و جوان جامعه را مورد هدف قرار می‌دهد که آینده‌سازان جامعه هستند (زارع شاه‌آبادی و بلگوریان، ۱۳۹۳: ۲۶۹).

یکی از مهم‌ترین عوامل گرایش نوجوانان به رفتار بزهکارانه، مسئله فقر، فشار مالی و محرومیت نسبی^۱ است. انسان‌ها به عنوان کنشگرانی مطالبه‌گر، دارای سرشت سیری‌ناپذیر در دستیابی به خواست‌ها و آرزوهای خود هستند، به طوری که با رسیدن به یک خواسته، از پای نمی‌نشینند و به سوی برطرف کردن نیازها و خواسته‌های جدیدتر گام برمی‌دارند. حال اگر این نیازها رفع نشود یا به تأخیر بیفتد، این احساس در نوجوانان شکل خواهد گرفت که از آن چیزی که مستحق آن هستند، محروم مانده‌اند. از سوی دیگر ایران در حال حاضر در مرحله گذر از سنت به سمت مدرنیته قرار دارد و همین اتفاق سبب بروز شکاف میان سنت و مدرنیته و قرارگیری در وضعیت آنومی و آشفتگی اجتماعی می‌شود. شرایط آنومیک باعث ناامیدی نسبت به برآورده شدن نیازها می‌شود و هرچه میزان برخورداری افراد جامعه از سرمایه‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی نامتعادل و نامناسب باشد، سبب عمیق‌تر شدن این شکاف می‌شود. در این شرایط، افرادی که سرمایه کمتری دارند، به مقایسه زندگی خود با گروه مرجعی که در آن زندگی می‌کنند، دست می‌زنند و اگر در این مقایسه، وضعیت خود را ناعادلانه درک کنند، دچار محرومیت نسبی می‌شوند (امینی و عزتی، ۱۳۹۶: ۱۰۲-۱۰۳).

در واقع احساس محرومیت نسبی، وضعیتی است که منجر به احساس بی‌عدالتی و نارضایتی می‌گردد و نوجوان را به این باور می‌رساند که از راه مشروع نمی‌تواند به موقعیت‌های دلخواه دست یابد و همین امر باعث خشم و ناراحتی و گرایش نوجوان به سمت رفتارهای نامشروع و بزهکارانه برای دستیابی به خواسته‌های خود می‌شود (کرد علیوند و مبارکی، ۱۳۹۷: ۲).

طبق مطالعات صورت‌گرفته در مرکز مطالعات بین‌المللی زندان‌های جهان در سال ۲۰۱۷، آمار جرایم زیر بیست سال ۱۲۵ کشور بررسی شد که کشور ایران با نرخ ۵۰/۹۰، رتبه ۴۳ را داشته است (همان: ۳). بر اساس آمار سایت نیروی انتظامی در شهر تهران که بزرگ‌ترین شهر و

پایتخت ایران شناخته می‌شود، وجود بزهکاری در میان نوجوانان بیشتر به شکل سازمان‌یافته است. این وضعیت در مناطق حاشیه‌ای شهر نظیر شهر قدس حادث‌تر بوده و به دلیل افزایش خشونت، میانگین سن جرمی مانند چاقوکشی کاهش یافته است و بر اساس آمار سرقت با ۴۴ درصد، رتبه اول و تکدی‌گری با ۲۷ درصد، رتبه دوم جرائم را در نوجوانان شهر قدس تهران دارد (نوری، ۱۳۹۶: ۱۱۰).

از آنجایی که رشد و توسعه هر جامعه‌ای از سطح خرد شروع می‌شود و نوجوانان، سرمایه‌های بالقوه جامعه به شمار می‌روند، از این‌رو شناخت و بررسی بزهکاری نوجوانان در شهر قدس ضروری است؛ زیرا یکی از شهرهای مهمی است که دارای موقعیت مناسب جغرافیایی از لحاظ نزدیکی به دو کلان‌شهر تهران و کرج و قیمت پایین مسکن است و این امر موجب شده که افرادی از هر قشر به این شهر مهاجرت کنند و از طرفی وجود خرده‌فرهنگ‌های انحرافی زمینه‌ساز بزهکاری بوده است.

شهر قدس که با هسته اولیه قلعه حسن‌خان میرشکار شکل گرفته، در سال‌های بعد با استقرار صنایع بزرگی نظیر گروه صنایع کفش ملی و نفت پارس به یکی از مکان‌های مهاجرپذیر و جمعیت‌جویی اشتغال در اینگونه صنایع تبدیل شده است. تحولات این شهر در دو سه دهه اخیر تحت تأثیر مزیت‌های مکانی و فعالیتی آن به گونه‌ای شتاب‌زده و نابسامان بوده، به نحوی که در فاصله سال‌های ۱۳۴۵-۱۳۵۵ نرخ رشد جمعیت ۱۱/۶ درصد و در سال‌های ۱۳۵۵-۱۳۶۵ نرخ رشد ۱۲/۳ درصد را تجربه کرده است. در حال حاضر شهر قدس، جمعیتی معادل ۲۳۰/۱۴۷ نفر را در مساحتی حدود ۲/۶۴۹ هکتار در خود جای داده است. بر این اساس با توجه به میزان مساحت بافت پر در این شهر، تراکم ناخالص و خالص جمعیتی به ترتیب برابر با ۸۶ نفر و ۴۸۹ نفر در هکتار است. از آنجا که فضاهای شهری امروزی، مؤلفه‌ای برای وقوع نابهنجاری‌های شهری است، بنابراین بررسی آن از لحاظ اجتماعی، امری ضروری است؛ زیرا شرایط تحقق جرایم شهری، یعنی شرایطی که فقدان برخی از آنها یا دقت در مدیریت فعالیت مشروع شهری، در کاهش جرایم و پیشگیری از آنها مؤثر خواهد بود. این شرایط گاه با شخص بزه‌دیده و نحوه زندگی و فعالیت‌های روزمره او مرتبط است و گاه به شخص بزهکار و موقعیت‌های مجرمانه مربوط می‌شود. به علاوه ممکن است نبود برخی از شرایط و معیارها، زمینه تحقق جرایم شهری را فراهم ساخته یا ارتکاب آنها را تسهیل کند

(رضوانی بفرولی و دیگران، ۱۳۹۵: ۵۷۶).

در نهایت اینکه بزهکاری امروز نوجوانان می‌تواند زمینه‌ساز بسیاری از رفتارهای دوره بزرگسالی آنان شود، مگر آنکه برای پیشگیری از آن، مطالعات و پژوهش‌های علمی در این حوزه صورت پذیرد. بر این اساس پژوهش حاضر نیز با هدف پاسخگویی به پرسش‌های زیر انجام شده است:

- میزان بزهکاری در بین نوجوانان شهر قدس تا چه اندازه‌ای است؟
- میزان احساس محرومیت نسبی در بین نوجوانان شهر قدس در چه حدی است؟
- چه رابطه‌ای بین احساس محرومیت نسبی و بزهکاری نوجوانان شهر قدس وجود دارد؟

پیشینه تجربی

نتایج پژوهش ابراهیمی و همکاران (۱۴۰۳) با عنوان «تحلیل نقش احساس محرومیت نسبی و پیوندهای محله‌ای در گرایش جوانان به خشونت شهری شهر رشت» نشان داد که میان پیوندها و تعلقات محله‌ای و گرایش به خشونت شهری، همبستگی معنادار معکوس ضعیفی وجود دارد؛ اما میان احساس محرومیت نسبی و گرایش به خشونت شهری، همبستگی معنادار مستقیمی وجود دارد.

بخشی از نتایج پژوهش صفایی و علوی (۱۳۹۹) با عنوان «بررسی تأثیر محرومیت نسبی در بروز جرائم مناطق حاشیه‌نشین شهر بوشهر» بیانگر آن است که رابطه مثبت و معناداری میان محرومیت نسبی با بروز جرائم در مناطق حاشیه‌نشین شهر بوشهر وجود دارد.

یافته‌های پژوهش اسکندری چراتی (۱۳۹۶) با عنوان «بررسی عوامل اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی مؤثر بر بزهکاری نوجوانان» بیانگر رابطه مثبت و معنادار میان فقر اقتصادی خانواده و بزهکاری نوجوانان پسر ۱۳-۱۹ سال شهر آزادشهر است.

نتایج پژوهش عباسی و سعادت (۱۳۹۵) با عنوان «بررسی جامعه‌شناختی رابطه بین محرومیت نسبی و بزهکاری نوجوانان» بیانگر رابطه مثبت و معنادار بین محرومیت نسبی و بزهکاری است و بین این دو متغیر با ۹۹ درصد اطمینان، رابطه وجود دارد؛ به نوعی که هرچه نوجوانان، محرومیت نسبی بیشتری را احساس کنند، بزهکاری آنان در سطح ضعیفی افزایش می‌یابد.

نتایج پژوهش زارع شاه‌آبادی و بلگوریان (۱۳۹۳) با عنوان «بررسی رابطه طرد اجتماعی و بزهکاری در میان دانشجویان دختر دانشگاه یزد» عبارت است از اینکه بین طرد اجتماعی و بزهکاری، رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. هر اندازه طرد اجتماعی بیشتر باشد، میزان بزهکاری نیز افزایش می‌یابد.

لهسایی‌زاده (۱۳۹۱) در پژوهشی با عنوان «نقش محرومیت نسبی در افزایش خشونت‌های شهری مناطق حاشیه‌نشین» نشان داد که هرچه احساس محرومیت نسبی در افراد ساکن در مناطق حاشیه‌نشین بیشتر باشد، افراد برای جبران این وضعیت به هر ابزار و وسیله‌ای دست خواهند زد. یکی از راه‌ها، خشونت در مناطق حاشیه‌نشین شهر است.

مرادی و سعیدی‌پور (۱۳۹۰)، پژوهشی را با عنوان «بررسی نقش محرومیت نسبی در ایجاد رفتار جمعی جوانان شهر کرمانشاه بر اساس نظریه تعامل‌گرایی بلومر» انجام دادند که نتایج آن نشان داد که آزمون همبستگی متغیر بزهکاری نوجوانان با تعاریف خنثی از عمل بزهکارانه، بزهکاری دوستان، افسردگی و روابط منفی با والدین مثبت بوده است. از بین ابعاد یادگیری اجتماعی، بعد بزهکاری دوستان، بیشترین تأثیر را بر بزهکاری نوجوانان داشته است و متغیرهای ساختاری (آنومی و بی‌سازمانی اجتماعی) به عنوان علل دور، باعث فضا سازی روی یادگیری اجتماعی بزهکاری می‌شوند.

کشاوری^۱ و همکاران (۲۰۲۱) در پژوهشی با عنوان «محرومیت نسبی و امید: پیش‌بینی‌کننده‌های رفتار مخاطره‌آمیز» نشان دادند زمانی که افراد، درگیر احساس محرومیت نسبی می‌شوند، امکان بروز رفتارهای ناسازگار و خطرناک و انحرافی در آنها افزایش می‌یابد و می‌توان با افزایش امید در میان جمعیتی که دچار این محرومیت می‌شوند، رفتارهای ریسکی و پرخطر آنان را کاهش داد.

وگل^۲ و همکاران (۲۰۲۱)، پژوهشی با عنوان «تأثیرات محله مجاور بر تخلفات نوجوانان» انجام دادند. نتایج بیانگر آن بود که جوانان وقتی در محله‌های محرومی زندگی می‌کنند که محرومیت نسبی حاکم است، در بالاترین سطوح تخلف قرار می‌گیرند. این مطالعه اهمیت

1. Keshavarz & etal

2. Vogel

فرصت‌های جرم‌زا و نظارت والدین را برای درک پویایی فضایی آسیب‌پذیری محله در مورد بزهکاری نیز نشان می‌دهد.

پژوهش ناپلئانو^۱ (۲۰۱۵) با عنوان «جنایت محله، محرومیت نسبی و خشونت مدرسه در نوجوانان کانادایی» نشان داد که بین احساس محرومیت نسبی و بی‌سازمانی اجتماعی و بزهکاری، رابطه مثبت وجود دارد. همچنین بر اساس نتایج، نیاز به گسترش استراتژی‌های مداخله فراتر از کلاس درس و در سطوح وسیع‌تر محله برای کمک به کاهش تفاوت‌های اجتماعی-اقتصادی در ثروت و جنایت محله مورد تأکید است.

ویلا و سالازار^۲ (۲۰۱۳) در پژوهشی با عنوان «تله‌های فقر، نابرابری اقتصادی و مشوق‌های بزهکاری» دریافتند که وجود یک تله فقر تحت شرایط نابرابری اقتصادی اولیه کافی و سرمایه‌گذاری سرمایه انسانی غیر قابل تقسیم پرهزینه در درازمدت، به‌وجودآورنده بزهکاری است. برنبورگ^۳ و همکاران (۲۰۰۹) در تحقیقی با عنوان «محرومیت نسبی و پیامدهای نوجوانی در ایسلند: آزمون چندسطحی» دریافتند که یکی از کاربردهای مهم نظریه محرومیت نسبی، این است که این محرومیت ناشی از مقایسه‌های نامطلوب اجتماعی است و می‌تواند منجر به خشم و افزایش احتمال رفتار انحرافی شود. اثرات محرومیت اقتصادی بر پیامدهای فردی به دلیل مقایسه با گروه‌های مرجع است. اثرات محرومیت اقتصادی بر خشم نوجوانان، بزهکاری، خشونت و وضعیت خانوادگی نسبی ذهنی در جوامع مدرسه‌ای بیشتر یافت شده است.

استاکز^۴ (۲۰۰۰) در اثر خود با عنوان «آزمون تجربی نظریه محرومیت نسبی در میان کارکنان نظامی»، ضمن شناسایی عوامل مؤثر بر محرومیت نسبی، دریافتند که کارکنان با سنین بالا و دارای تحصیلات عالی، درصد بالاتری از محرومیت دارند.

در یک جمع‌بندی کلی می‌توان ادعان نمود که پژوهش‌های خارجی و داخلی، نشان از رابطه مستقیم و نقش تأثیرگذار محرومیت نسبی بر بزهکاری و رفتارهای مجرمانه در میان نوجوانان دارد. ولی نقطه افتراق پژوهش حاضر در این امر نهفته است که مطالعه رابطه احساس محرومیت

1. Napolitano
2. Villa & Salazar
3. Bernburg
4. Starks

نسبی و بزهکاری در شهر قدس به عنوان شهر همجوار کلان‌شهر تهران، شهری مهم تلقی می‌شود. همچنین این پژوهش با نگاهی جامعه‌شناختی به احساس محرومیت نسبی و مسئله بزهکاری در میان نوجوانان می‌پردازد که در پژوهش‌های انجام‌یافته، این مهم کم‌رنگ است.

مبانی نظری

در ادامه به آرای مهم‌ترین متفکران حوزه بزهکاری و احساس محرومیت نسبی پرداخته شده است.

بزهکاری

اصطلاح بزهکاری رسماً در سال ۱۸۹۹، وقتی اولین قانون بزهکاری جوانان در آلیوس شیکاگو تصویب شد، متداول گشت. تا سال ۱۸۹۹، جوانان و بزرگسالان در یک مجموعه قرار می‌گرفتند و هر نوع مجازات یا برنامه اصلاح و بازپروری که برای منحرفان بزرگسال اعمال می‌شد، برای جوانان منحرف نیز قابل اجرا بود. بر اساس مطالعات تجربی صورت‌گرفته در آن دوران، اندیشمندان اجتماعی دریافتند که رفتار و برخورد یکسان با بزهکاران نوجوان و بزرگسال نه تنها جرم و بزهکاری را کاهش نمی‌دهد، که باعث ازدیاد آن در جامعه نیز می‌شود. به همین دلیل از آن پس در بیشتر کشورهای جهان، نظام قضایی و نظام کنترل نوجوانان از بزرگسالان متمایز شد و برخورد با نوجوانان بیشتر جنبه بازپروری، توان‌بخشی، حمایتی و ارشادی دارد (احمدی، ۱۳۹۴: ۹).

در جامعه‌شناسی انحرافات نیز به عنوان یکی از حوزه‌های جامعه‌شناسی، انحراف اجتماعی برحسب سن افرادی که مرتکب رفتار انحرافی می‌شوند، در دو مقوله بزهکاری و جرم طبقه‌بندی می‌شود؛ به این معنا که تقسیم انحراف اجتماعی به بزهکاری و جرم بر اساس نوع و شدت رفتار انحرافی نیست، بلکه بر اساس سن فرد هنگام ارتکاب رفتار یادشده انجام می‌گیرد. بر این اساس رفتار انحرافی جوانانی که هنوز به سن قانونی (در اغلب کشورها به هجده سال) نرسیده‌اند، بزهکاری نامیده می‌شود و جوانان مرتکب این رفتارها را بزهکار می‌نامند (همان: ۸). بزهکاری نوجوانان رفتارهای مختلفی را شامل می‌شود و مواردی چون فرار کردن از خانه، نقض مقررات حکومت، فرار از مدرسه و مصرف الکل و تا بزهکاری خشن و رفتارهای جنایی مثل

مصرف یا توزیع مواد غیر قانونی، تخریب و ورود غیر قانونی به حریم دیگران، دزدی و تجاوز و قتل ادامه دارد (نوری، ۱۳۹۶: ۱۳).

از نظر رابرت مرتون^۱ و بر اساس نظریه فشار، جرم عمدتاً ناشی از قرار گرفتن افراد «بهنجار» در موقعیت‌های «نابهنجار» است. به نظر مرتون، ساخت‌های اجتماعی، تولیدکننده و جهت‌دهنده الگوهای رفتاری هستند. به عقیده او، جرم و بزهکاری از ساختار اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جامعه نشأت می‌گیرد. همه اعضای جامعه، ارزش‌های مشترکی دارند، ولی به لحاظ ساختارهای اجتماعی در موقعیت‌های مختلف قرار می‌گیرند و به همین دلیل، فرصت‌های نابرابری برای درک ارزش‌ها در دسترس دارند که موجب انحرافات اجتماعی می‌شود (احمدی، ۱۳۹۴: ۵۰-۵۱). در واقع مرتون، علت کجروی مردم را شکاف میان اهداف و ابزار مقبول اجتماعی می‌داند که معتقد است واکنش مردم نسبت به فشارهای اجتماعی در مقابل عدم دستیابی به اهداف مشروع، مشابه نیست. بنابراین بعضی از افرادی که نتوانسته‌اند از راه مشروع به اهداف خود برسند، ممکن است به بزهکاری متوسل شوند (ابراهیمی و میرزایی، ۱۳۹۵: ۳).

نظریه برچسب‌زنی نیز به این نکته اشاره دارد که از طریق برچسب زدن یک عمل با عنوان بزهکاری، زنجیره‌ای از حوادث به حرکت درآورده می‌شود که فرد را به سوی انحرافات بزرگ‌تری سوق می‌دهد (اسکندری چراتی، ۱۳۹۶: ۷). قواعدی که کجروی بر اساس آن تعریف می‌شود، کم‌وبیش از طرف ثروتمندان برای فقرا و از طرف بزرگ‌ترها برای جوانان وضع می‌شود. برای مثال بسیاری از کودکان از دیوار باغ‌ها بالا می‌روند و میوه می‌دزدند یا از مدرسه می‌گریزند. این رفتار در یک محله ثروتمند ممکن است بازگوشی و در دیگر محله فقیرنشین، بزهکاری تلقی شود (گیدنز، ۱۳۹۵: ۳۰۵). نظریه برچسب‌زنی بر این فرض استوار است که از سویی هیچ فردی ذاتاً و از ابتدا مجرم و بزهکار نبوده و از سویی دیگر هیچ عملی ذاتاً مجرمانه نیست و تعریف تبهکاری و کجروی از سوی قدرتمندان، پلیس و مؤسسات اصلاح و تربیت شکل می‌گیرد (همان: ۳۵۰).

گابریل تارد^۲، تئوری تقلید را برای توضیح انحراف مطرح می‌کند. وی در کتاب خود با عنوان «بزهکاری تطبیقی» می‌نویسد که رفتار و اعمال افراد در اجتماع ناشی از تقلید است. به باور او، انسان‌ها ذاتاً بزهکار نیستند و رفتارها و روابط اجتماعی خود را از طریق تقلید و تکرار عادات و

1. Robert Merton
2. Gabriel Tarde

رفتار دیگران برقرار می‌نمایند. در این راستا مک‌کی^۱ نیز اصطلاح «منطقه بزهکاری» را مطرح می‌کند و می‌گوید که در محله‌های فقیرنشین، رفتار بزهکارانه، الگویی عادی است و جوانان در چنین محله‌هایی از طریق تماس نزدیک و دوستی با افراد بزهکار، این رفتارهای انحرافی را که مورد تشویق نیز واقع می‌شود، از آنها می‌آموزند و در نتیجه بزهکار می‌شوند (اسکندری چراتی، ۱۳۹۶: ۸).

بر اساس نظریه‌ی فرهنگ کجرو، ناکامی‌های طبقه پایین جامعه، خرده‌فرهنگ خاصی را به وجود می‌آورد که تأکید بر قلدری و بی‌پروایی دارند و رفتارهای مجرمانه را تشویق می‌کنند. بر اساس این نظریه، ساکنان محله‌های فقیرنشین یا محروم به صورت اجباری از قانون تخطی می‌کنند، زیرا از خرده‌فرهنگ کجروی اطاعت می‌کنند که در تضاد با قوانین و مقررات جامعه است. آلبرت کوهن^۲ استدلال می‌کند که پسران قشرهای پایین که از موفقیت خویش در زندگی مأیوس و ناکام شده‌اند، به صورت خرده‌فرهنگ بزهکار مثل دار و دسته‌های بزهکاران، دست به دست هم می‌دهند و به بزهکاری متوسل می‌شوند و زمانی که نوجوانان نمی‌توانند به اهداف خود برسند، به فعالیت‌های بزهکارانه گرایش می‌یابند (گیدنز، ۱۳۹۵: ۳۰۳).

نظریه‌های خرده‌فرهنگی به الگوهای فرهنگی رفتار که در ساختار طبقاتی جامعه موجود است، توجه نموده، ادعان می‌دارند که جوانان طبقات پایین جامعه در مراکز آموزشی با ناسازگاری بین ارزش‌های خرده‌فرهنگی خود و ارزش‌های خرده‌فرهنگی طبقه متوسط مواجه شده، مرتکب رفتار انحرافی می‌شوند (احمدی، ۱۳۷۸: ۴). پیش‌فرض اساسی نظریه کنترل قدرت نیز بر این امر استوار است که تمایزهای جنسی میان طبقات اجتماعی مختلف بیشتر در میزان آزادی و قدرت جوانان در خانواده نشو و نما می‌کند. این نظریه بحث می‌کند که جرایم دختران در خانواده‌های پدر-مادرسالاری و خانواده‌هایی که زنان و شوهران، هر دو شاغل هستند، افزایش خواهد یافت؛ زیرا دختران در این خانواده‌ها به دلیل فقدان توزیع قدرت میان والدین برای ارتکاب رفتار انحرافی، آزادتر خواهند بود (همان: ۶).

محرومیت نسبی

محرومیت به نیازهای برآورده‌نشده و مشکلات ایجادشده به وسیله کمبود منابع و فرصت‌ها اشاره دارد که می‌تواند مربوط به تمام نارسایی‌های حاصل از شرایط فرهنگی،

1. McKay

2. Albert Cohen

اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و محیطی باشد. محرومیت، آسیبی اجتماعی و مادی است که زندگی فردی و خانوادگی افراد محروم را تحت تأثیر قرار می‌دهد و مشکلات عدیده‌ای بر آنها تحمیل می‌کند (کوه‌بنایی و دیگران، ۱۳۹۴: ۱۱۰). محرومیت، انواع متفاوتی دارد که یکی از آنها محرومیت نسبی است. استوفر^۱ برای اولین بار در سال ۱۹۴۹، مفهوم محرومیت نسبی را مطرح می‌کند. وی دیدگاه روان‌شناسی اجتماعی داشت و در تلاش بود که نگرش سربازان آمریکایی را در طول جنگ جهانی دوم مقایسه کند. بعد از استوفر، رابرت کی مرتون از این مفهوم استفاده می‌کند و معتقد است که مردم، زمانی احساس محرومیت نسبی می‌کنند که موقعیت خود را با موقعیت افراد گروه‌های دیگر، از جنبه منفی مقایسه می‌کنند (قیس، ۱۳۸۸: ۴).

پیتر تاونزند^۲ نیز معتقد است که محرومیت نسبی را باید از دو منظر مادی و اجتماعی بررسی کرد و تأکید فراوانی بر نیاز به مشارکت در عادات روزانه، نحوه گذران اوقات فراغت و فرهنگ سیاسی مردم دارد و می‌گوید اگر مقتضیات زندگی مردم با این نوع مشارکت‌ها هماهنگ نباشد، اینگونه افراد دچار محرومیت نسبی شده‌اند (ازکیا و غفاری، ۱۳۸۸: ۶۶).

دیویس^۳، محرومیت نسبی را محدود به مقایسه با اعضای درون گروه می‌داند، به طوری که از نظر او باید مقایسه با اعضای درون گروه مشابه صورت گیرد تا محرومیت نسبی حاصل شود و به این نتیجه برسد که اعضای گروهی دارای برخی مزیت‌هایی است که وی فاقد آنهاست. اگر در دوره‌ای طولانی رفاه ایجاد شود که طی آن، سطح انتظارات مردم افزایش یابد و بعد از دوره‌ای رفاه اجتماعی افول یابد، شکاف عمیقی بین آنچه مردم می‌خواهند و آنچه به دست می‌آورند شکل می‌گیرد که این شکاف باعث بروز سرخوردگی و یأس خواهد شد (تقوی و دیگران، ۱۳۹۹: ۱۱).

به نظر تد رابرت گار^۴، محرومیت نسبی به معنی درک تفاوت میان انتظارات ارزشی (خواسته و بایدهای افراد، شرایطی که افراد معتقدند حقیقتاً حق آنهاست) و توانایی‌های ارزشی (داشته‌ها و هست‌های افراد، وسایل و شرایطی که افراد احساس می‌کنند توانایی و استعداد به دست آوردن آن را دارند) است. احساس محرومیت نسبی ممکن است بر اساس مقایسه وضعیت فعلی فرد با گذشته خود، آرمان‌های انتزاعی یا معیارهایی که یک رهبر یا یک گروه مرجع طراحی کرده (ایدئولوژی) و

1. Stouffer
2. Peter townsand
3. Davis
4. Ted Robert Gurr

ارجاع به گروه‌های دیگر شکل گیرد (سام دلیری، ۱۳۸۲: ۸۱۵). توانایی ارزشی بیشتر در محیط فیزیکی و اجتماعی یافت می‌شود و مربوط به امور اجتماعی مانند تحصیل و حفظ ارزش‌هایی است که مردم انتظار به دست آوردن آنها را دارند و انتظارات ارزشی کالا و شرایط زندگی است که مردم خود را مستحق آن می‌بینند (اصغری نیازی و محمود اوغلو، ۱۳۹۷: ۳۲۱).

به عبارتی دیگر به نظر تد رابرت گار، هرچه فاصله و شکاف بین خواسته‌ها و انتظارات انسان با داشته‌هایش بیشتر شود، میزان محرومیت نسبی بیشتری را هم احساس می‌کند. محرومیت نسبی می‌تواند موجب بروز نارضایتی در افراد گردد و این نارضایتی به عنوان محرکی کلی برای اقداماتی علیه منبع محرومیت عمل می‌کند. در واقع پاسخ‌های پرخاشجویانه و یا کنش‌های بزهکارانه، زمانی شکل می‌گیرند که سرنخی از بیرون، آنها را تحریک کند و گرایش نوجوانان به بزهکاری در زمان احساس محرومیت نسبی در واقع جزء تمایلات زیست‌شناختی و ذاتی انسان برای حمله به عامل سرخوردگی است (سام دلیری، ۱۳۸۲: ۸۱۶).

بر اساس این نظریه، علت بزهکاری و خشونت در ذات انسان نیست، بلکه علت بسیاری از پرخاشگری و بزهکاری‌های نوجوانان در انواع محرومیت‌های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و حقوقی است. انسان، موجودی است که به صورت ذاتی اگر تحت فشار باشد، از خود واکنش نشان می‌دهد و نوع و سطح واکنش آنها بستگی به میزان فشار و محرومیت دارد (اصغری نیازی و محمود اوغلو، ۱۳۹۷: ۳۱۹). گار، محرومیت نسبی را در بخش‌های زیر خلاصه نموده است:

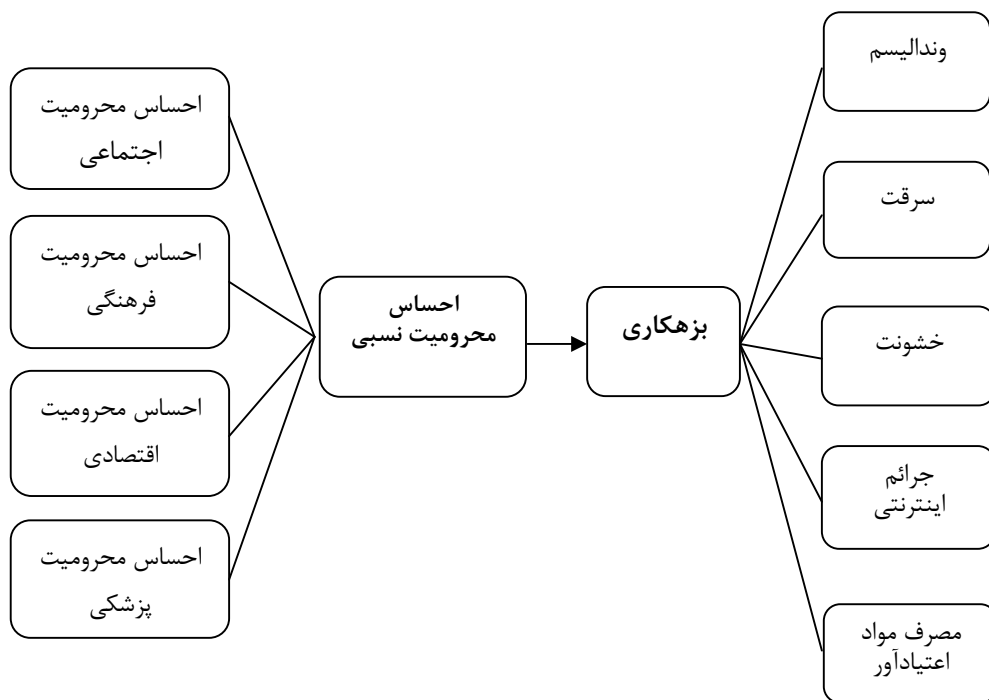
- ارزش‌های رفاهی (ارزش‌های اقتصادی) که شامل غذا، مسکن و آسایش مادی است.
- ارزش‌های مربوط به قدرت، در واقع ارزش‌های سیاسی است که شامل اموری مانند مشارکت سیاسی، تعیین حق سرنوشت و امنیت است.
- ارزش‌های بین اشخاص، همان ارزش‌های احتمالی شامل روابط عاطفی و احترام و اعتماد است (پناهی، ۱۳۹۷: ۲۸۰).

- گار، سه نوع وضعیت محرومیت نسبی را با عنوان «الگوی محرومیت نسبی» مطرح می‌کند:
- محرومیت نزولی: زمانی اتفاق می‌افتد که انتظارات افراد ثابت است، اما توانایی‌های آنها به طور مداوم کاهش می‌یابد. این محرومیت بیشتر ناشی از مقایسه فرد نسبت به وضعیت گذشته خود است.
- محرومیت ناشی از بلندپروازی: یعنی در حالی که توانایی‌های افراد ثابت است، انتظارات

ارزشی آنها، رشد صعودی می‌یابد. در این حالت، افراد احساس می‌کنند که فاقد ابزاری برای رسیدن به توقعات جدید یا تشدید یافته هستند.

- محرومیت صعودی: پس از یک دوره که انتظارات ارزشی و توانایی ارزشی به مدت هم‌زمان و طولانی رشد می‌کنند، ساختار جامعه اجازه رشد بیشتر به توانایی‌های ارزشی را نمی‌دهد (کوه‌بنایی و دیگران، ۱۳۹۴: ۱۱۳).

با توجه به پیشینه‌های تجربی و مباحث نظری طرح‌شده، مدل نظری پژوهش حاضر به شکل زیر قابل تدوین است.



شکل ۱- مدل نظری تحقیق

فرضیه‌های پژوهش

- بین احساس محرومیت اجتماعی و بزهکاری در میان نوجوانان شهر قدس، رابطه وجود دارد.

- بین احساس محرومیت اقتصادی و بزهکاری در میان نوجوانان شهر قدس، رابطه وجود دارد.
- بین احساس محرومیت فرهنگی و بزهکاری در میان نوجوانان شهر قدس، رابطه وجود دارد.
- بین احساس محرومیت پزشکی و بزهکاری در میان نوجوانان شهر قدس، رابطه وجود دارد.

روش پژوهش

روش تحقیق مورد استفاده در پژوهش حاضر بر اساس هدف تحقیق از نوع کاربردی و بر اساس شیوه گردآوری داده‌ها، پیمایشی است. همچنین از نظر زمانی، جزء تحقیقات مقطعی به شمار می‌رود. در پژوهش حاضر، جامعه آماری، کل نوجوانان زیر هجده سال شهر قدس استان تهران به تعداد ۱۹۱۹۰ نفر است (سرشماری نفوس و مسکن، ۱۳۹۵). روش نمونه‌گیری در این پژوهش از نوع نمونه‌گیری طبقه‌ای تصادفی است، بدین معنا که پس از برآورد حجم نمونه کل، نمونه اختصاصی برای هر کدام از مناطق شهری شهر قدس به تناسب جمعیتشان محاسبه شده است. حجم نمونه پژوهش با استفاده از فرمول کوکران، ۳۷۷ نفر برآورد شد. ابزار گردآوری اطلاعات، پرسشنامه محقق‌ساخته بوده است و نرم‌افزار مورد نیاز برای تجزیه و تحلیل داده‌ها، نرم افزار SPSS است.

متغیر مستقل احساس محرومیت نسبی با چهار مؤلفه احساس محرومیت اجتماعی، محرومیت اقتصادی، محرومیت فرهنگی و محرومیت پزشکی با پرسش‌هایی در سطح سنجش رتبه‌ای و در قالب طیف لیکرت سنجیده شده است.

برای سنجش متغیر وابسته بزهکاری نیز از پنج مؤلفه شامل وندالیسم، خشونت، سرقت، جرائم رایانه‌ای و مصرف مواد اعتیادآور و با گویه‌هایی در سطح سنجش رتبه‌ای و در قالب طیف لیکرت استفاده شده است. برای برآورد اعتبار ابزار از اعتبار صوری و برای سنجش پایایی پرسشنامه، از آزمون آلفای کرونباخ استفاده شده است. جدول شماره (۱)، نتایج ضریب پایایی متغیرهای پژوهش را نشان می‌دهد که ضریب یادشده برای تمامی متغیرها، بالاتر از ۰/۷ بوده که نشان از پایایی مناسب ابزار اندازه‌گیری است.

جدول ۱- ضرایب پایایی متغیرهای پژوهش

متغیر	مؤلفه	تعداد گویه	ضریب پایایی به تفکیک مؤلفه	ضریب پایایی کل
احساس محرومیت نسبی	محرومیت اجتماعی	۶	۰/۸۵۲	۰/۹۳۲
	محرومیت اقتصادی	۶	۰/۹۴۱	
	محرومیت فرهنگی	۵	۰/۸۶۶	
	محرومیت پزشکی	۴	۰/۹۷۵	
بزهکاری	وندالیسم	۴	۰/۷۸۲	۰/۷۷۱
	سرقت	۵	۰/۷۲۰	
	جرایم اینترنتی	۶	۰/۷۶۴	
	خشونت	۵	۰/۸۰۱	
	مصرف مواد اعتیادآور	۴	۰/۷۶۳	

تحلیل داده‌ها

اطلاعات حاصل در پژوهش حاضر در دو بخش یافته‌های توصیفی و یافته‌های استنباطی تجزیه و تحلیل شده است.

یافته‌های توصیفی

بر اساس یافته‌های پژوهش، ۲۱۴ نفر (۵۶/۷ درصد) از نمونه مورد مطالعه شامل مردان و ۱۶۳ نفر معادل ۴۳/۳ درصد از نمونه آماری شامل زنان نوجوان است. از مجموع افراد مورد مطالعه، ۳۲۰ نفر معادل ۸۵ درصد از کل نمونه آماری، مجرد و ۵۷ نفر یعنی ۱۵ درصد متأهل هستند. میانگین سن پاسخگویان برابر با ۱۶/۱۸ است و انحراف معیار ۲/۰۱ ماکزیمم سن پاسخگویان ۱۸ و مینیمم سن پاسخگویان ۱۳ و دامنه تغییرات برابر ۵ است. ۶۶ درصد پاسخگویان دارای مدرک دیپلم، ۲۴ درصد مدرک راهنمایی و ۱۰ درصد مدرک ابتدایی بوده‌اند. مطابق نتایج، شغل ۴۶ درصد از والدین (پدر) پاسخگویان آزاد، ۳۵ درصد کارمند و ۱۹ درصد کارگر گزارش شده است. درآمد ۳۱ درصد از خانواده‌های پاسخگویان، کمتر از ۱۰ میلیون تومان، ۳۶ درصد بین ۱۰ تا ۲۰ میلیون تومان، ۲۵ درصد بین ۲۰ تا ۳۰ میلیون تومان و ۸ درصد بالای ۳۰ میلیون تومان بوده است.

میانگین احساس محرومیت اجتماعی با انحراف معیار ۱۱/۱۴ برابر با ۱۸/۸۵ بوده است. میانگین احساس محرومیت فرهنگی برابر با ۱۴/۱۳ گزارش شده است. میانگین احساس محرومیت اقتصادی با انحراف معیار ۱۳/۵۸ و ماکزیمم ۲۴ و مینیمم ۶ برابر با ۱۹/۸۱ بوده است. میانگین احساس محرومیت پزشکی برابر با ۱۲/۴۵ گزارش شده است. میانگین احساس محرومیت نسبی پاسخگویان برابر با ۶۸/۷۳ و انحراف معیار ۲۸/۹۲ ماکزیمم ۸۴ و مینیمم ۲۱ و دامنه تغییرات برابر با ۶۳ بوده است.

با توجه به نتایج یادشده، میزان مؤلفه‌های احساس محرومیت اجتماعی، احساس محرومیت اقتصادی، احساس محرومیت پزشکی و سازه احساس محرومیت نسبی، بالاتر از حد متوسط برآورد شده است (جدول ۲).

جدول ۲- آماره‌های توصیفی متغیر مستقل به تفکیک مؤلفه

متغیر	میانگین	انحراف معیار	ماکزیمم	مینیمم	دامنه تغییرات
احساس محرومیت اجتماعی	۱۸/۸۵	۱۱/۱۴	۲۴	۶	۱۸
احساس محرومیت فرهنگی	۱۴/۱۳	۱۰/۶۲	۲۰	۵	۱۵
احساس محرومیت اقتصادی	۱۹/۸۱	۱۳/۵۸	۲۴	۶	۱۸
احساس محرومیت پزشکی	۱۲/۴۵	۱۲/۴۹	۱۶	۴	۱۲
احساس محرومیت نسبی	۶۸/۷۳	۲۸/۹۲	۸۴	۲۱	۶۳

بر اساس نتایج، میانگین متغیر وندالیسم با انحراف معیار ۹/۶۲ برابر با ۱۲/۶۳ بوده است. میانگین متغیر سرقت برابر با ۱۳/۱۵ گزارش شده است. میانگین جرایم اینترنتی ۱۲/۸۳ و میانگین خشونت، ۱۷/۶۹ برآورد شده است. میانگین مصرف مواد اعتیادآور نیز ۱۳/۵۷ بوده است. میانگین حاصل برای سازه بزهکاری با انحراف معیار ۳۲/۴۸، ماکزیمم ۹۶ و مینیمم ۲۴ برابر با ۵۴/۶۹ است. با توجه به نتایج یادشده، میزان مؤلفه‌های وندالیسم، خشونت، مصرف مواد

اعتیادآور بالاتر از حد متوسط برآورد شده است. همچنین میزان بزهکاری در بین نمونه مورد مطالعه در حد متوسطی بوده است (جدول ۳).

جدول ۳- آماره‌های توصیفی متغیر وابسته به تفکیک مؤلفه

متغیر	میانگین	انحراف معیار	ماکزیمم	مینیمم	دامنه تغییرات
وندالیسم	۱۲/۶۳	۹/۶۲	۱۵	۴	۱۱
سرقت	۱۳/۱۵	۱۲/۷۱	۲۰	۵	۱۵
جرایم اینترنتی	۱۲/۸۳	۱۱/۸۵	۲۳	۶	۱۷
خشونت	۱۷/۶۹	۱۳/۴۱	۱۹	۵	۱۴
مصرف مواد اعتیادآور	۱۳/۵۷	۱۱/۹۱	۱۶	۴	۱۲
بزهکاری	۷۱/۶۹	۳۲/۴۸	۹۶	۲۴	۷۲

یافته‌های استنباطی

با توجه به سطح سنجش متغیرهای تحقیق حاضر، از آزمون همبستگی r پیرسون، برای سنجش رابطه میان متغیرهای مستقل و وابسته تحقیق استفاده شده است. نتایج بیانگر آن است که رابطه خطی بین تمامی مؤلفه‌های احساس محرومیت نسبی شامل احساس محرومیت اجتماعی، احساس محرومیت اقتصادی، احساس محرومیت فرهنگی و احساس محرومیت پزشکی در سطح معناداری کوچک‌تر از $0/01$ و $0/05$ با اطمینان 99 و 95 درصد از نظر آماری مورد تأیید بوده است. نوع روابط یادشده نیز مثبت و مستقیم است. به این معنا که با افزایش میزان احساس محرومیت نسبی و مؤلفه‌های مربوطه در میان نوجوانان، میزان بزهکاری در میان آنان، روند صعودی خواهد داشت. همچنین با کاهش احساس محرومیت نسبی در میان نمونه مورد بررسی، میزان بزهکاری رو به کاهش می‌گذارد (جدول ۴).

جدول ۴- آزمون همبستگی بین متغیرهای تحقیق

متغیر	احساس محرومیت اقتصادی		احساس محرومیت فرهنگی		احساس محرومیت پزشکی		احساس محرومیت اجتماعی		احساس محرومیت نسبی	
	فهرست	Sig	فهرست	Sig	فهرست	Sig	فهرست	Sig	فهرست	Sig
وندالیسم		۰/۰۰۰		۰/۰۰۰		۰/۰۰۰		۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰
سرقت	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰
خشونت	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰
جرایم اینترنتی	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰
مصرف مواد اعتیادآور	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰
بزهکاری	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰

** : معناداری در سطح ۰/۱ ، * : معناداری در سطح ۰/۵

در این پژوهش از تحلیل رگرسیونی چندمتغیره برای سنجش تأثیرات متغیرهای مستقل بر متغیر بزهکاری استفاده شده است. بر اساس یافته‌ها، متغیرهای مستقل حاضر در مدل رگرسیونی، شامل احساس محرومیت اقتصادی، احساس محرومیت فرهنگی، احساس محرومیت

اجتماعی و احساس محرومیت پزشکی به ترتیب بیشترین تأثیر را بر متغیر بزهکاری نوجوانان داشته‌اند. همچنین متغیرهای مستقل یادشده در مدل رگرسیونی، مطابق ضریب تبیین اصلاح‌شده، ۳۶ درصد از تغییرات متغیر بزهکاری را تبیین نموده‌اند (جدول ۵).

جدول ۵- آماره‌های تحلیل رگرسیونی چند متغیره بزهکاری

بررسی هم‌خطی		P-Value	آماره t	ضریب (Beta)	متغیر	
شاخص تورم واریانس	تولرانس					
۱/۲۲	۰/۹۱۲	۰/۰۰۰	۴/۶۲	۰/۳۰۱	احساس محرومیت اقتصادی	
۱/۳۷	۰/۹۳۲	۰/۰۰۰	۴/۲۹	۰/۲۸۸	احساس محرومیت فرهنگی	
۱/۱۲	۰/۹۷۳	۰/۰۰۰	۳/۸۰	۰/۲۶۵	احساس محرومیت اجتماعی	
۱/۱۹	۰/۹۶۰	۰/۰۰۰	۳/۴۲	۰/۲۳۲	احساس محرومیت پزشکی	
ضریب تعیین و ضریب تعیین تعدیل-شده			آماره دوربین-واتسون	P-Value	آماره F	کل مدل رگرسیونی
R = ۰/۶۱۱ R Square = ۰/۳۷۳ Adjusted R Square = ۰/۳۶۲			۱/۹۶	۰/۰۰۰	۲۳/۵۴	

بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف بررسی جامعه‌شناختی رابطه احساس محرومیت نسبی و بزهکاری در بین نوجوانان شهر قدس انجام شده است. مطابق نظریه تبیین‌های خرده‌فرهنگی نیز ناکامی‌های طبقات پایین جامعه، نوعی خرده‌فرهنگ بزهکاری را به وجود می‌آورد که زمانی که

نمی‌توانند به اهداف و خواسته‌های خود برسند، به فعالیت‌های بزهکارانه گرایش می‌یابند. در واقع در میان افرادی که احساس محرومیت نسبی پیدا کرده‌اند و راه‌های مشروع رسیدن به اهداف و خواسته‌های خود را بسته و بن‌بست می‌بینند، خرده‌فرهنگ بزهکاری را به وجود می‌آورند و در تلاش برای رسیدن به خواسته‌های خود از طریق این خرده‌فرهنگ می‌شوند.

طبق نظریه برچسب‌زنی، هیچ عملی ذاتاً مجرمانه و رفتار انحرافی نیست و هیچ انسانی از ابتدا، بزهکار و مجرم متولد نمی‌شود؛ بلکه تعریف بزهکاری از سوی قدرتمندان و مؤسسات شکل می‌گیرد. بر اساس این تعاریف و برچسبی که روی افراد بزهکار زده می‌شود و آنها را انگشت‌نما می‌کند، باعث می‌شود که این رفتارهای کجروانه و انحرافی در آنها نهادینه و ادامه‌دار شود. گابریل تارد نیز بر اساس نظریه تقلید معتقد است که انسان‌ها ذاتاً بزهکار نیستند، بلکه فقط شیوه رفتار افرادی را که ملاقات نموده‌اند، تقلید می‌کنند و در محله‌های فقرنشین (محله‌های محروم) نیز رفتار بزهکارانه، یک الگو است و افراد بزهکار، رفتارهای انحرافی را از دیگران می‌آموزند. آلبرت کوهن نیز معتقد است که وقتی قشرهای پایین به اهداف خود نمی‌رسند، به صورت دار و دسته‌های بزهکاران دست به دست هم به بزهکاری روی می‌آورند.

نظریه‌های مربوط به احساس فشار نیز اظهار می‌دارند که جوانان طبقه پایین چه‌بسا خواهان اهداف قانونی باشند، اما دست نیافتن به این اهداف، سبب ایجاد خشم، سرخوردگی و جایگزینی بزهکاری می‌شود. رابرت مرتون، احساس فشار را با هنجارگسیختگی مرتبط می‌داند. به عقیده وی، جرم و بزهکاری ناشی از تفاوت در موقعیت‌های مختلف قرارگیری افراد در ساختارهای اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی جامعه است؛ در وضعیتی که هنگام وجود گسست میان اهداف و امکانات ایجاد می‌شود. به عبارتی مرتون، علت کجروی مردم را شکاف میان اهداف و ابزار مقبول اجتماعی می‌داند و معتقد است که انسان‌ها در زمان فشار، رفتارها و کنش‌های یکسانی از خود بروز نمی‌دهند و برخی افراد در برابر فشارهایی که ساختار اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی به آنها وارد می‌کند، به سمت رفتارهای انحرافی و بزهکاری روی می‌آورند.

طبق اندیشه‌های متفکران حوزه محرومیت نسبی، احساس نبود عدالت اجتماعی، احساس مساوی نبودن درآمد و در نتیجه مقایسه شرایط زندگی خود با افراد ثروتمند، سبب بروز احساس محرومیت می‌شود. این احساس محرومیت باعث احساس بی‌عدالتی و نارضایتی می‌گردد و منجر به بزهکاری در میان نوجوانان می‌شود. استوفر معتقد است که محرومیت

نسبی، احساس نارضایتی است که نتیجه مقایسه افراد، منزلت و جایگاه خود در مقایسه با گروه‌های مرجع است. به نوعی که وقتی اعضای یک جامعه خود را در مقایسه با گروه‌های مرجع فاقد منزلت و جایگاهی که مستحق آن هستند تصور می‌کنند، دچار محرومیت نسبی می‌شوند. همچنین تاونزند (۱۳۸۸)، تأکید زیادی بر عادت‌های روزانه و اوقات فراغت افراد دارد و معتقد است که اگر مشارکت مردم در این کارهای روزمره ولی مهم، در یک مرتبه و هماهنگ نباشد و شکاف زیادی بین نحوه گذران اوقات فراغت و عادت‌های افراد شامل نحوه تفریح، رستوران یا فعالیت‌های فرهنگی و.. باشد، افراد دچار محرومیت نسبی می‌شوند.

دیویس نیز محرومیت نسبی را محدود به مقایسه با اعضای درون گروه می‌داند. او معتقد است که وجود رفاه در مدت طولانی باعث افزایش سطح انتظارات مردم جامعه می‌شود و اگر این رفاه در مواقعی کاهش یابد، باعث ایجاد شکاف عمیقی بین خواسته‌ها و دستاوردهای آنان می‌شود که این خود منجر به سرخوردگی، یأس و انحراف در بین آنان می‌شود. رابرت گار نیز مفهوم محرومیت نسبی را برداشت ذهنی قلمداد می‌کند که افراد از اختلاف بین انتظارات ارزشی و توانایی ارزشی قلمداد می‌کنند. منظور از انتظارات ارزشی، همان کالاها و شرایطی است که مردم خود را مستحق آن می‌دانند و توانایی‌های ارزشی، نگرش افراد نسبت به امکانات برای رسیدن به انتظاراتشان است. هرچه این شکاف بین خواسته‌ها و داشته‌هایشان بیشتر شود، میزان محرومیت نسبی بیشتری را هم احساس خواهند کرد و محرومیت نسبی هم منجر به نارضایتی در افراد می‌شود. این نارضایتی خود را در رفتارهای انحرافی و بزهکارانه نشان می‌دهد. با توجه به مباحث نظری طرح‌شده، احساس محرومیت نسبی می‌تواند شهر قدس را به دلیل موقعیت خاص یعنی نزدیکی به کلان‌شهر و پایتخت، تحولات شتاب‌زده و نابسامانی که در این شهر در اثر مهاجرت افراد زیادی با فرهنگ‌های مختلف برای اشتغال روی داده، مستعد انواع جرائم و بزهکاری سازد. در راستای محتوای نظریه‌های یادشده، پژوهش‌های صفایی و علوی (۱۳۹۹)، کرد علیوند و مبارکی (۱۳۹۷)، اسکندری چراتی (۱۳۹۶)، امینی و عزتی (۱۳۹۶)، عباسی و سعادت (۱۳۹۵)، لهسایی‌زاده (۱۳۹۱)، کاونتری و همکاران (۲۰۲۱) و ویلا و سالازار (۲۰۱۳) نشان دادند که بین محرومیت نسبی و بزهکاری نوجوانان، رابطه معناداری وجود دارد. پس می‌توان نتیجه گرفت که بخشی از نتایج پژوهش حاضر با یافته‌های پیشینه‌های تجربی بالا و محتوای نظریه‌های یادشده منطبق و همسو بوده است. از طرفی در پژوهش حاضر، احساس

محرومیت نسبی به طور خاص و به عنوان یک سازه (با مؤلفه‌های اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و پزشکی) و رابطه آن با بزهکاری نوجوانان در شهر قدس به عنوان یکی از شهرهای مهم، همجوار و پرجمعیت استان تهران با چشم‌اندازی جامعه‌شناختی مورد مطالعه قرار گرفته است که این مهم گامی در راستای جبران خلأ پژوهشی است.

همچنین با توجه به نتایج حاصل این تحقیق می‌توان پیشنهادهای کاربردی زیر را در جهت کاهش میزان بزهکاری در میان نوجوانان ارائه داد.

- ایجاد کتابخانه، مؤسسات هنری و فرهنگی و مراکز تفریحی و سالن‌های ورزشی برای تسکین فشارهای روحی و همچنین گذران اوقات فراغت.
- افزایش امکانات پزشکی و بهداشتی از قبیل تأسیس مراکز درمانی و بیمارستان‌های عمومی و تخصصی با پزشکان متخصص و مجرب در مناطق شهری کمتر برخوردار.
- فراهم‌سازی بستر و شرایط لازم برای تسهیل فعالیت‌های اقتصادی با درآمد مکفی و واگذاری تسهیلات ویژه اقتصادی برای افزایش رفاه خانواده‌های کم‌درآمد.
- ایجاد زمینه‌های مساعد برای مشارکت هرچه بیشتر نوجوانان در امور اجتماعی به کمک نهادهایی چون آموزش و پرورش، سازمان ورزش و جوانان.
- ایجاد بسترهای آموزشی لازم و کافی در حوزه تربیت درست و اصولی کودکان و نوجوانان به والدین در جهت آگاه‌سازی آنان و توجه بیشتر و تأمین نیازهای معنوی فرزندان به‌ویژه نوجوانان.
- توجه و شناخت دغدغه‌ها و نیازهای نوجوانان و برنامه‌ریزی در راستای تأمین و برآورد نیازهای مربوطه توسط نهادهای ذی‌ربط.
- برنامه‌ریزی و آموزش اصولی توسط افراد مجرب و ایجاد برنامه‌های تفریحی بیشتر در کنار آموزش در مدارس به نوجوانان توسط نظام آموزش و پرورش.

محدودیت‌های پژوهش

پژوهش حاضر با محدودیت‌هایی چون نبود مقیاس استاندارد برای سنجش متغیرهای پژوهش، تمایل نداشتن نمونه مورد مطالعه برای همکاری به دلیل حساسیت گویه‌های متغیر بزهکاری و تمایل ضعیف سازمان‌های ذی‌ربط برای همکاری و تسهیل فرایند انجام پژوهش مواجه بود.

منابع

- ابراهیمی، قربانعلی و سمیه میرزایی (۱۳۹۵) «عوامل مؤثر در بزهکاری انحرافات اجتماعی نوجوانان: فراتحلیل مطالعات موجود»، چهارمین کنفرانس ملی توسعه پایدار در علوم تربیتی و روان‌شناسی، مطالعات اجتماعی و فرهنگی، تهران.
- ابراهیمی، نیر و دیگران (۱۴۰۳) «تحلیل نقش احساس محرومیت نسبی و پیوندهای محله‌ای در گرایش جوانان به خشونت شهری در شهر رشت»، مطالعات برنامه‌ریزی سکونت‌گاه‌های انسانی، دوره نوزدهم، شماره ۲ (پیاپی ۶۷)، صص ۱۴۷-۱۶۲.
- احمدی، حبیب (۱۳۹۴) جامعه‌شناسی انحرافات، تهران، سمت.
- (۱۳۷۸) «رهیافت نظری ترکیبی در تبیین انحرافات اجتماعی»، فصلنامه علمی- پژوهشی علوم انسانی دانشگاه الزهراء^(ب)، سال نهم، شماره ۳۲، صص ۴-۶.
- ازکیا، مصطفی و غلامرضا غفاری (۱۳۸۸) جامعه‌شناسی توسعه، تهران، کیهان.
- اسکندری چراتی، آذر (۱۳۹۶) «بررسی عوامل اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی مؤثر بر بزهکاری نوجوانان پسر ۱۳ تا ۱۹ سال شهر آزاد شهر»، فصلنامه حقوق خصوصی و کیفری، شماره ۳۴، صص ۱۸۹-۲۰۶.
- اصغری نیازی، یعقوب و رضا محمود اوغلی (۱۳۹۷) «احساس محرومیت نسبی در میان قوم بلوچ و تأثیر آن بر خشونت سیاسی»، دوفصلنامه علمی- پژوهشی پژوهش‌های سیاست نظری، شماره ۲۳، صص ۳۰۵-۳۳۶.
- امینی، سعیده و نوید عزتی (۱۳۹۶) «بررسی جامعه‌شناختی احساس محرومیت نسبی جوانان مناطق توسعه‌یافته و کمتر توسعه‌یافته شهر تهران»، فصلنامه توسعه محلی روستایی- شهری، شماره ۱، صص ۱۰۱-۱۲۰.
- پناهی، محمدحسین (۱۳۹۷) نظریه‌های انقلاب: وقوع، فرایند و پیامدها، تهران، سمت.
- تقوی، سید مهدی و دیگران (۱۳۹۹) «تبیین جامعه‌شناختی اثر محرومیت اقتصادی و اجتماعی (محرومیت نسبی) بر گرایش به خشونت سیاسی شهروندان تهرانی»، فصلنامه علمی- پژوهشی مطالعات امنیت اجتماعی، شماره ۶۳، صص ۵۱-۷۷.
- رضوانی بفرئی، محمدعلی و دیگران (۱۳۹۵) «بررسی امنیت اجتماعی شهری (نمونه موردی: محله کاج شهر قدس)»، پنجمین کنفرانس بین‌المللی پژوهش‌های نوین در عمران، معماری و شهرسازی، دوره هشتم برگزار، ص ۵.
- زارع شاه‌آبادی، اکبر و مستانه بلگوریان (۱۳۹۳) «بررسی رابطه طرد اجتماعی و بزهکاری در میان دانشجویان دختر دانشگاه یزد»، فصلنامه بررسی مسائل اجتماعی ایران، شماره ۲، صص ۲۶۵-۲۸۶.
- سام دلیری، کاظم (۱۳۸۲) «سنجش محرومیت نسبی در نظریه تد رابرت گر»، فصلنامه مطالعات راهبردی، شماره ۴، صص ۸۱۳-۸۲۷.

سرشماری عمومی نفوس و مسکن (۱۳۹۵) استان تهران، شهر قدس، تهران، مرکز آمار ایران.
شکرپیگی، علیرضا و پریسا یاسمی‌نژاد (۱۳۹۱) «مقایسه سبک‌های فرزندپروری خانواده، عزت نفس و سلامت عمومی نوجوانان پسر بزهکار و عادی در کرمانشاه»، فصلنامه مشاوره و روان‌درمانی خانواده، سال دوم، شماره ۲، صص ۱۷۸-۱۹۲.

صفایی، مریم و زهرا علوی (۱۳۹۹) «بررسی تأثیر محرومیت نسبی در بروز جرائم در مناطق حاشیه‌نشین شهر بوشهر»، فصلنامه دانش انتظامی بوشهر، شماره ۴۰، صص ۲۷-۵۹.

عباسی، الهام و موسی سعادت (۱۳۹۵) «بررسی جامعه‌شناختی رابطه بین محرومیت نسبی و بزهکاری نوجوانان»، فصلنامه علمی- پژوهشی علوم تربیتی و روان‌شناسی آسیب‌های اجتماعی و فرهنگی ایران، شماره ۴، صص ۵۶-۷۸.

قیس، عادل (۱۳۸۸) بررسی جامعه‌شناختی تأثیر محرومیت نسبی (اقتصادی، اجتماعی، خدماتی بر گرایش (۱۵- ۲۵ سال) به رفتارهای وندالیستی، پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد، به راهنمایی سید یعقوب موسوی، دانشگاه الزهراء، دانشکده علوم اجتماعی و اقتصادی، گروه جامعه‌شناسی.

کرد علیوند، سهیلا و علی مبارکی (۱۳۹۷) «بررسی رابطه احساسی محرومیت نسبی و بزهکاری نوجوانان، مطالعه تطبیقی دانش‌آموزان مقطع متوسط شهر خرم‌آباد و یزد»، فصلنامه پژوهش‌های جامعه‌شناسی معاصر، شماره ۱۳، صص ۱-۳۶.

کوه‌بنایی، حمیدرضا و دیگران (۱۳۹۴) «بررسی عوامل مؤثر بر احساس محرومیت نسبی (مطالعه موردی: شهرک شهید بهشتی)»، فصلنامه جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری چشم‌انداز زاگرس، شماره ۳۱، صص ۱۰۵-۱۲۵.

گیدنز، آنتونی (۱۳۹۵) جامعه‌شناسی، ترجمه محسن چاوشیان، تهران، نشرنی.
لهسایی‌زاده، عبدالعلی (۱۳۹۱) «نقش محرومیت نسبی در افزایش خشونت‌نشین‌های شهری مناطق حاشیه (مورد مطالعه: شهر کرمانشاه)»، فصلنامه مطالعات شهری، سال دوم، شماره ۳، صص ۲۱-۶۴.

مشکانی، محمدرضا و زهرا سادات مشکانی (۱۳۸۱) «سنجش تأثیر عوامل درونی و بیرونی خانواده بر بزهکاری نوجوانان»، مجله جامعه‌شناسی ایران، دوره چهارم، شماره ۲، صص ۳-۲۵.

مرادی، گلرمد و بهمن سعیدی‌پور (۱۳۹۰) «بررسی نقش محرومیت نسبی در ایجاد رفتار جمعی جوانان شهر کرمانشاه بر اساس نظریه تعامل‌گرایی بلومر»، دوفصلنامه علوم اجتماعی فردوسی مشهد، سال نهم، شماره ۲ (پیاپی ۱۶)، صص ۱۶۳-۱۹۱.

نوری، مهناز (۱۳۹۶) بررسی بزهکاری کودکان و نوجوانان در استان‌های خراسان جنوبی، خراسان رضوی، سیستان بلوچستان، کردستان و تهران در ایران و مقایسه با بزهکاری کودکان و نوجوانان در ایالات متحده، پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد، به راهنمایی حسین قربانپان، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد شاهرود، دانشکده علوم انسانی، واحد حقوق.

- Bernburg, J.G., Thorlindsson, T., Sigfusdottir, I. D. (2009) Relative Deprivation and Adolescent Outcomes in Iceland: A Multilevel Test, *Social Forces*, 87(3)1223-1250.
- Napoletano, A. (2015) Neighborhood crime, relative deprivation, and school violence in Canadian adolescents. A thesis submitted to McGill University in partial fulfillment of the requirements of the degree of MSc, Department of Psychiatry, Montreal.
- Keshavarz, Shahriar & Kenny R. Coventry, Piers Fleming (2021) Relative Deprivation and Hope: Predictors of Risk Behavior, *Journal of Gambling Studies*, (2021) 37:817-835.
- Starks, M. C. (2000) An empirical test of the theory of relative deprivation among military reservists. The University of Texas at Arlington .A Dissertation for the Degree of Master of Arts in Sociology.
- Villa, E., Salazar, A. (2013) Poverty traps, economic inequality and incentives for delinquency. *Cuadernos de Economía*, 32 (61), 753- 786.
- Vogel, M., Evelien, M., Hoeben, B., Wim, B. (2021) Nearby Neighborhood Influences on Adolescent Offending. *British Journal Criminology*, 61(1), 228-250.